[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]

[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

ساختار عاملی پرسشنامه طرحواره‌های مقابله با استرس درنمونه ایرانی

Factor structure of coping schemas Inventory among Iranian population

محمد نقی فراهانی[۱]، حمید خانی پور [۲]

Mohammad- Naghi Farahani, Hamid Khanipour

تاریخ دریافت:۱۳۹۵/۶/۱۰ تاریخ پذیرش اولیه:۱۳۹۵/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی:۱۳۹۵/۱۲/۹

چکیده

مدلِ مقابلهٔ همخوان با منبع، یکی از مدل‌های مقابله با استرس است که در انتخاب سبک‌های مقابله‌ای، بر نقش طرحواره‌های فرهنگی و همین‌طور چندگانگی الگوهای مورد استفاده برای مقابله با استرس، تاکید دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی ساختار عاملی پرسشنامهٔ «طرحواره‌های مقابله با استرس» است که براساس مدل مقابلهٔ همخوان با منبع، ساخته شده است. در این پژوهش ۱۰۴۶ نفر از دانشجویان ایرانی که به زبان‌های فارسی، کردی، ترکی، لری و گیلکی سخن می‌گفتند به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. برای بررسی ویژگی‌های روانسنجی از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملیِ تأییدی استفاده شد. یافته‌ها نشان داده‌اند، مدل شش‌عاملی هم در تحلیل اکتشافی و هم تأییدی، بهترین برازش را با داده‌ها داشته است که در کل ۳۸ ٪ از واریانس نمره‌ها را تبیین کردند. طرحواره‌های مقابلهٔ مذهبی، موقعیتی، انفعال هیجانی، پذیرش و حمایت اجتماعی و ابراز هیجانی فعال به ترتیب بر روی سؤال‌های بیشتری، بارعاملی نشان دادند. ضرایب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای این شش خرده‌مقیاس در دامنه‌ای بین ۰/۶۵تا ۰/۸۴ به دست آمد. به نظر می‌رسد در فرهنگ ایرانی طرحواره های موقعیتی، مذهبی، انفعال هیجانی، حمایت اجتماعی، پذیرش و ابراز هیجانی فعال برای مقابله با استرس پرکاربردتر و دسترس پذیرتر از طرحواره‌های اصلاح خود، معنایابی و کاهش تنش هستند. این الگو تا حدودی با پیش بینی‌های مدل مقابله همخوان با منبع مطابقت دارد.

واژه‌های کلیدی: استرس، مقابله، طرحواره، فرهنگ

Abstract

Resource **c**ongruent model of stress emphasized on the role of cultural schemas and also heterogeneity of coping styles. The aime of this study was to investigate factor structure of coping schema inventory (CSI) which was created based on resourch congruent model. We selected ۱۰۴۶ Iranian student who speak in Persian, Kurdish, Lurish and gilaki languages by multistage cluster method. Confirmatory factor analysis and exploratory factor analysis have been used for assessing psychometric properties. Finding showd that a six factor solution was the best fitted by the pattern in data. These six factor model explained ۳۸٪ variance of coping schemas inventory. Coping schemas which was identified by factor analysis were religious, situational, passive emotional, acceptance, social support and active emotional. Internal consistency (cronbaches alpha) were calculated ۰/۶۵-۰/۸۴ for subscales of CSI.It seemed in Iranian culrure coping schemas including situational, religious, passive emotions, social support, acceptance and active emotion was more available and also more usable than other coping schema including self-restructuring, meaning, and tensition reduction. This pattern of results was consisted with predictions of resource congruent model of coping with stress.

Keywords: Stress, Coping, Schema, Culture

۱. گروه روان شناسی،دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، موسسه تحقیقات تربیتی، روان شناختی و اجتماعی، دانشگاه خوارزمی، تهران. ایران.

۲. (نویسنده مسئول). گروه روان شناسی، موسسه تحقیقات تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی، دانشگاه خوارزمی، تهران. ایران. Khanipur.hamid@gmail.com

مقدمه

استرس همچنان در صدر عوامل مختل‌کنندهٔ سلامت جسمی و روان‌شناختی قرار دارد؛ اما همچنان در شناسایی، تعریف، اندازه‌گیری و پیشگیری از استرس محدودیت‌هایی زیادی وجود دارد. مطالعه پیمایش ملی استرس در آمریکا نشان داده است که ۴۴٪ از مردم بر این باورند که در پنج سال گذشته میزان استرس‌شان بیشتر شده است. در این تحقیق شایع‌ترین نشانه‌های مرتبط با استرس را خشم (۶۰٪)، تحریک‌پذیری(۵۰٪)، کاهش علاقه و انگیزه به امور زندگی(۴۵٪)، سردرد(۴۴٪)، مشکلات گوارشی(۳۵٪)، دردهای قفسه سینه (۱۵٪)، افسردگی(۳۴٪) و کژکاری‌های جنسی(۱۹٪) دانسته‌اند (انجمن روان‌شناسی آمریکا، ۲۰۱۱). در ایران نیز شیوع کلی نشانه‌های جسمانی و روانی مرتبط با استرس، در یک جمعیت دانشجویی ۶۱٪ به دست آمده است. (کوچاکی و همکاران[۱]، ۲۰۱۱). یک مطالعه فراتحلیل بر روی ۳۰۰ مقاله مرتبط با تأثیرات استرس بر سلامتی، نشان داده است استرس‌های کوتاه مدتِ طبیعی، روی ایمنی سلولی اثر منفی می‌گذارند و استرس‌های مزمن عملکرد ایمنی سلولی و هومورال[۲] را تضعیف می‌کنند (سگرستورم، میلر[۳]، ۲۰۰۴). مشکلات مرتبط با استرس، حجم قابل توجهی از بودجه سلامتِ روان کشورها را به هدر می‌دهد؛ ولی در صورتی که راه‌های پیشگیری از استرس به درستی به کار گرفته شود، در بسیاری از هزینه‌های درمانی صرفه‌جویی خواهد شد. استرس براساس تعریف تنها ناشی از عوامل محیطی نیست؛ بلکه شیوه پاسخ‌دهی افراد به محرک‌های پیرامونی نیز، در ایجاد و تشدید استرس اثرگذار است. این پاسخ‌ها، سبک‌های مقابله با استرس، تعریف شده‌اند. بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد اغلب مدل‌هایی که تا کنون برای طبقه‌بندی سبک‌های مقابله‌ای و همین‌طور تعریف استرس ارائه شده است، بر عوامل فیزیولوژیک، عوامل شناختی و عوامل هیجانی متمرکز بوده است (اشنایدرمن، ایرونسون و سیگل[۴]، ۲۰۰۵). در یکی از شناخته‌ترین مدل‌های استرس و مقابله، سبک‌های مقابله با استرس به دو دسته کلی مسأله‌محور و هیجان‌محور تقسیم شده است (فولکمن، لازاروس[۵] و همکاران، ۱۹۸۶). در مدل‌های دیگر نیز از همین چهارچوب استفاده شده است و راهبردهای مقابله‌ای معرفی شده -مانند تحلیل منطقی موقعیت، به کارگیری راهبردهای حواس پرت‌کن، تخلیه هیجانی، بازتعریف موقعیت استرس‌زا، برنامه‌ریزی و جستجوی حمایت اجتماعی- در همان قالب رایج مسأله‌محوری و هیجان‌محوری طبقه‌بندی شده است (استون و نیل[۶]، ۱۹۸۴؛ موس و هولان[۷]، ۲۰۰۳). به نظر می‌رسد ابعاد فرهنگی در این مدل‌ها در نظر گرفته نشده است. اغلب این مدل‌ها براساس مصاحبه با نمونه‌هایی از فرهنگ‌های فردگرا و از طریق مطالعه گروه‌هایی از طبقه متوسط جوامعی که از سطح اقتصادی اجتماعی نسبتاً بالایی بوده‌اند، ساخته شده است. به همین دلیل برای شناسایی بهتر شیوه‌های مقابله استرس، نیازمند مدل‌هایی هستیم که توصیف غنی‌تری از تجربه استرس و مقابله با استرس، در فرهنگ‌های مختلف ارائه کند و نقش عوامل فرهنگی را نیز به عنوان یکی از منابع مؤثر در شکل‌گیری سبک‌های مقابله‌ای در نظر بگیرد.

مدل مقابله همخوان با منبع[۸] (وونگ، رکر و پیکاک[۹]، ۲۰۰۶) یک مدل مقابله با استرسِ مبتنی بر ایده‌های روان‌شناسی مثبت و روان‌شناسی بین‌فرهنگی است. این مدل تعریف جدیدی از مقابلهٔ خلاقانه و متمرکز بر فرهنگ ارائه کرده است. براساس این مدل، سبک‌های مقابله زمانی خلاقانه است که با نوع استرس، منابع شخصی دردسترس و بافت فرهنگی که استرس در آن به وقوع می‌پیوندد، همخوانی داشته باشد. همچنین براساس این مدل، انتخاب نوع سبک مقابله، برخلاف مدل‌های رفتاری یک فرایندِ از جنس آزمایش و خطا نیست؛ بلکه عقیده بر این است که افراد برای ارزشیابی منابع خطر و یا انتخاب شیوهٔ مقابله با استرس از

[۱] Kuchaki
[۲]. Humoral immunity
[۳].segrestorm&Miller
[۴].schneiderman,Ironson,Siegel
[۵]. Folkman, Lazarus
[۶]. Stone & Neale
[۷]. Moos & Holahan
[۸]. A resource-congruence model
[۹]. Wong, Reker & Peacock

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

طرحواره‌های مقابله[1] استفاده می‌کنند(وونگ، رکر و پیکاک، ۲۰۰۶). مهم‌ترین ویژگی‌های مدل مقابلهٔ همخوان با منبع عبارتند از: الف). بر همخوان بودن طرحواره‌های مقابله با استرس، با ارزش‌ها و باورهای فرهنگی تأکید دارد. ب) تعریف گسترده‌تری از استرس و سبک‌های مقابله‌ای ارائه می‌کند. ج) بر ماهیت تعاملی نوع سبک مقابله‌ای و نوع موقعیت تأکید دارد. د) منابع گسترده‌ای را برای سبک‌های مقابله‌ای در قالب طرحواره‌های مقابله‌ای معرفی می‌کند.

طرحواره‌های مقابله‌ای محصول تلاش‌هایی است که فرد در چالش با استرس‌ها و رویدادهای مختلف زندگی اکتساب کرده است و در حکم ساختارهای شناختی ثابتی[2] هستند که فرد برای سازگاری با شرایط مختلف زندگی و حل مشکلات، از آنها استفاده می‌کند (وونگ، رکر و پیکاک، ۲۰۰۶). براساس مدل مقابله همخوان با منبع، و با استفاده از روش پژوهش ترکیبی و با بهره‌گیری از نمونه‌هایی از زمینه‌های نژادی و فرهنگی مختلف، ابزاری برای اندازه‌گیری طرحواره‌های مقابله‌ای تحت عنوان پرسشنامه طرحواره‌های مقابله‌ای ساخته شده است. این ابزار بسیاری از کمبودهای حوزهٔ مقابله و استرس را پوشش می‌دهد؛ زیرا: الف) بر جمع‌آوری اطلاعات از افراد فرهنگ‌های مختلف مبتنی است؛ ب) تعداد سبک‌های مقابله‌ای بیشتری را معرفی کرده است؛ ج) برای تدوین و تهیه مواد و گویه‌های این ابزار، از هر دو رویکرد قیاسی و استقرایی استفاده کرده است و د) براساس مدل نظری‌ای ساخته شده است که شواهد تجربی قابل قبولی دارد.

ساختار عاملی، روایی و اعتبار پرسشنامه طرحواره‌های مقابله‌ای در چندین پژوهش بررسی شده است و نه عامل اصلی برای آن شناسایی شده است. در پژوهش اولیه بررسی ساختار عاملی این ابزار، نه نوع طرحواره مقابله‌ای شناسایی شد که عبارت بودند از موقعیتی[3]، اصلاح خود[4]، ابراز فعالانه هیجانی[5]، انفعال هیجانی[6]، معنادهی[7]، پذیرش[8]، مذهبی[9]، دریافت حمایت اجتماعی[10] و کاهش تنش[11](وونگ، رکر و پیکاک، ۲۰۰۶). طرحواره‌های موقعیتیِ مقابله با استرس، دربردارندهٔ طرحواره‌های مقابله‌ای است که برای مقابله با استرس اولویت را به تغییر دادن شرایط و موقعیت می‌دهند. اصلاح خود عبارت است از مقابله با استرس از طریق تغییر دادن شناخت‌واره‌ها، نگرش‌ها یا رفتارهای شخصی. افرادی که از طرحواره‌های هیجانی برای مقابله با استرس استفاده می‌کنند بیشتر هم و غم‌شان، مدیریت واکنش‌های هیجانی است و حل مشکل یا تغییر موقعیت دغدغه اصلی‌شان نیست. در روش ابراز هیجانی فعال، فرد برای مقابله با هیجان، به صورت آشکار هیجان‌هایش را ابراز می‌کند و در روش انفعال هیجانی شیوهٔ مقابله با عامل استرس‌زا به صورت سرکوب هیجانی یا ملامت و سرزنشگری خود است. طرحواره‌های مقابله‌ای پذیرش و معنادهی دارای ویژگی وجودگرایانه هستند و بیشتر در موقعیت‌های غیرقابل کنترل به کار گرفته می‌شوند. افرادی هم که در مقابله با استرس از باورهای مذهبی و اعمال دینی مانند دعا کردن و عبادت استفاده می‌کنند، طرحواره‌های مقابلهٔ مذهبی دارند. افرادی که از طرحوارهٔ مقابله‌ایِ حمایت اجتماعی استفاده می‌کنند، جهت‌گیری‌شان در مقابله با استرس بیشتر از نوع موقعیتی است و با یاری گرفتن از دیگران، تلاش می‌کنند بر استرس غلبه کنند. طرحواره مقابله‌ای کاهش تنش وضعیتی است که فرد برای مقابله با استرس با انجام فعالیت‌های جسمی مانند ورزش کردن یا فعالیت‌های ذهنی دیگر مانند گفت‌وگو با خود یا تصویرپردازی، شرایطی را به وجود می‌آورد تا از فشاری که در یک لحظه دچار آن شده است، خلاص شود (وونگ، رکر و پیکاک، ۲۰۰۶).

[1]. Coping schema
[2]. prototypical
[3]. situational
[4]. self-restructuring
[5]. active emotional
[6]. passive emotional
[7]. meaning
[8]. acceptance
[9]. religious
[10].social support
[11]. tension reduction

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

به نظر می‌رسد در حوزه ابزارهای مقابله با استرس کمبودهایی در ایران وجود دارد و معمولاً در بیشتر پژوهش‌ها از پرسشنامهٔ راه‌های مقابله (فولکمن، لازاروس[1] و همکاران، ۱۹۸۶) استفاده شده است. با توجه به محدودیت‌هایی که در ادبیات پژوهش برای پرسش‌نامه‌های رایج سنجشِ سبک‌های مقابله، مانند پرسش‌نامه سبک‌های مقابله برشمردیم، به ابزارهای جامع‌تر و دقیق‌تری نیاز داریم. و همین‌طور برای بازنمایی طیف وسیع‌تری از سبک‌های مقابله‌ای که احتمالاً دربردارنده ابعاد فرهنگی مقابله با استرس در ایرانیان نیز است، ابزارهای جامع‌تر و دقیق‌تری لازم است. بر این اساس هدف پژوهش بررسی ساختار عاملی سیاههٔ طرحواره‌های مقابله‌ای در جامعه ایرانی است.

روش

در این طرح پیمایشی از جامعه دانشجویان دانشگاه‌های مناطق مختلف ایران، ۱۰۴۶ نفر انتخاب شدند و به پرسشنامه طرحواره‌های مقابله با استرس پاسخ دادند. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. از هر استان، یک دانشگاه انتخاب شد و از هر دانشگاه نیز یک دانشکده انتخاب شد. ابتدا نسخه انگلیسی پرسش‌نامه به فارسی ترجمه شد و روایی صوری آن توسط یک ویراستار زبان فارسی بررسی شد. در مرحلهٔ بعد پرسش‌نامه در اختیار دو روان‌شناس قرار گرفت و وضعیت روایی محتوایی بررسی و تأیید شد. برای بررسی روایی سازه، ساختار عاملی پرسشنامهٔ طرحواره‌های مقابله با استرس، بررسی شد. برای بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه از دو روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. همچنین برای بررسی اعتبار سؤال‌های پرسش‌نامه به روش همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ برای کل سؤالات و خرده مقیاس‌ها محاسبه شد.

[1]. Folkman, Lazarus

ابزار

۱.*پرسش‌نامه طرحواره‌های مقابله با استرس*[2]: این پرسش‌نامه از ۷۲ سؤال تشکیل شده است که به صورت لیکرتی از ۱=هرگز تا ۵= همیشه، نمره‌گذاری می‌شود. در آخرین نسخه اصلاح شده این پرسش‌نامه، هشت خرده‌مقیاس که بازنمایانگر انواع مختلف طرحواره‌های مقابله با استرس هستند، شناسایی شده است که عبارتند از: طرحواره‌های موقعیتی، بازسازی خود، ابراز هیجانی فعال، انفعال هیجانی، معنایابی، پذیرش، مذهبی، حمایت اجتماعی و کاهش تنش. یافته‌های مرتبط با، بررسی اعتبارِ همسانیِ درونیِ این پرسش‌نامه با محاسبه آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها اول تا نهم به ترتیب معادل ۰/۸۸، ۰/۸۵، ۰/۹۲، ۰/۸۷، ۰/۷۷، ۰/۸۵، ۰/۹۸، ۰/۷۲ و ۰/۸۷ محاسبه شده است. همچنین ضریب اعتبار آزمون-بازآزمون خرده‌مقیاس‌ها در دامنه‌ای از ۰/۶۹ تا ۰/۹۴ محاسبه شده است (وونگ، رکر و پیکاک، ۲۰۰۶).

یافته‌ها

از میان شرکت کنندگان پژوهش ۶۲۷ نفر از جنس مؤنث و ۴۱۹ نفر از جنس مذکر بودند. از لحاظ زبانی ۷۵۵ (۶۵٪)نفر فارسی زبان، (۱۰٪)۱۲۱ زبان‌شان ترکی، (۱۰٪) ۱۲۲ زبان‌شان کردی، (۵٪) ۶۴ نفر زبان‌شان لری و (۶٪) ۶۹ نفر به سایر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی سخن می‌گفتند. از لحاظ تحصیلات (۴۴٪) ۵۱۳ نفر از دانشجویان کارشناسی، (۴۸٪) ۵۶۲ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد بودند و (۶٪) ۷۳ نفر، جزو دانشجویان دکتری بودند و ۴ نفر نیز سطح تحصیلات خود را مشخص نکرده بودند. از لحاظ وضعیت اجتماعی اقتصادی (۱۲٪) ۱۴۱ نفر خود را جزو گروه پایین دسته‌بندی کردند؛ (۷۷٪)۸۹۱ نفر خود را متعلق به طبقه متوسط دسته‌بندی کردند و (۷٪) ۷۸ نفر نیز خود را متعلق به گروه اجتماعی- اقتصادی بالا دسته‌بندی کردند و ۴ نفر نیز به این سؤال پاسخ ندادند. از لحاظ سنی افراد بین ۱۹ تا ۳۱ سال

[2].coping schema inventory

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

بودند. داده‌ها پس از بررسی شاخص‌های نرمال بودن و تعدیل داده‌های گمشده با استفاده از روش‌های تحلیل عامل اکتشافی، و مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزارهای spss و لیزرل بررسی شدند. بررسی شاخص‌های چولگی و کشیدگی سؤالات نشان می‌دهد مقدار این شاخص برای همه سؤالات در محدود (۳ و ۳-) قرار دارد و همین طور میزان کجی در محدوده (۵ ، ۵-) قرار داشت که نشان از نرمال بودن توزیع همه سؤالات دارد. برای بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه، ابتدا آزمون کرویت بارتلت و شاخص KMO گرفته شد (KMO =۰/۸۹۵، ۳۰۴/۹۹= شاخص کرویت بارتلت، P < ۰/۰۰۱). این دو شاخص نشان می‌دهند، حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی کافی است و پیش‌فرض تقارن رابطه متغیرهای آشکار با عوامل نیز، برقرار است.

بررسی ساختار عاملی این ابزار با روش تحلیل عاملی اکتشافی و با استفاده از تکنیک تحلیل مؤلفه‌های اصلی همراه با چرخش پروماکس شش عامل را نشان داد که ارزش‌های ویژه‌شان بالای ۱ و بیشتر از سایر مؤلفه‌ها بود. در جدول۱ مؤلفه‌ها و میزان واریانس تبیین‌شده نمایش داده شده است.

جدول ۱. ارزش‌های ویژه و میزان واریانس تبیین شده مؤلفه‌ها

مؤلفه‌ها	ارزش ویژه	واریانس تبیین شده(٪)	واریانس تجمعی(٪)
۱	۱۱/۰۸	۱۵/۴۰	۱۵/۴۰
۲	۵/۷۹	۸/۰۵	۲۳/۴۵
۳	۴/۲۶	۵/۹۱	۲۹/۳۷
۴	۲/۸۵	۳/۹۶	۳۳/۳۳
۵	۲/۱۸	۳/۰۳	۳۶/۳۶
۶	۱/۷۷	۲/۴۶	۳۸/۸۲
۷	۱/۶۱	۲/۲۴	۳۸/۸۲
۸	۱/۴۳	۱/۹۹	۴۳/۰۶
۹	۱/۲۹	۱/۷۹	۴۴/۸۵

برای اینکه در تحلیل عاملی اکتشافی متغیری را به عنوان عامل استخراج شده تلقی کنیم باید هم شاخص ارزش ویژهٔ آن بالاتر از ۱ باشد و هم آن عامل حداقل ۳٪ از واریانس را تبیین کند(تاباچنیک، فیدل، استرلیند[۱]،۲۰۰۱). روی هم‌افتادگی نمرات «ارزش ویژه»، در نمودار اسکری[۲] از عامل شش به بعد شاهد دیگری برای انتخاب مدل شش‌عاملی است. راه حل شش‌عاملی تبیین بهتری از تبیین واریانس متغیر طرحواره‌های مقابله‌ای است و در مجموع این شش عامل ۳۸٪ از واریانس سازهٔ زیربنایی را تبیین می‌کنند. در جدول۱ سؤالات پرسش‌نامه به همراه بارهای عاملی‌شان روی ۹ عامل اول، نمایش داده شده است. سوالاتی که به صورت ایتالیک یا رنگی نوشته شده است به این معنا ست که در نسخه اصلی خارجی آزمون بر روی آن خرده مقیاس بارعاملی نداشته است و یا اینکه مقدار بارعاملی آن در این پژوهش کمتر از حدی بوده است که آن را به عنوان بخشی از سوالات مربوط به یک خرده مقیاس در نظر گرفت.

۱. Tabachnick, Fidell & Osterlind,
۲.screeplot

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

جدول ۲. سؤالات و بارعاملی هر سؤال بر روی ۹ عامل اول پرسش‌نامه طرحواره‌های مقابله با استرس

سؤالات پرسش‌نامه (ضرایب عاملی)	بارعاملی
الف) **طرحواره مقابله مذهبی**	
۱. کارهایی را که برای ارتباط با خدا لازم است، انجام می‌دهم.	۰/۷۵
۲. باوردارم که می‌توانم با خدا ارتباط داشته باشم.	۰/۸۸
۳. از خدا می‌خواهم به من کمک کند و مرا به حال خود وامگذارد.	۰/۸۱
۴. معتقدم خدا به دعای بندگانش توجه می‌کند.	۰/۷۱
۵. باور دارم که خدا از من مراقبت می‌کند.	۰/۸۷
۶. از اصول و قواعد مذهبی پیروی می‌کنم.	۰/۸۸
۷. برای نزدیکی به خدا دعا می‌خوانم.	۰/۹۰
۸. باور دارم خدا مهربان و رحیم است.	۰/۸۸
۹. باور دارم که خداوند قادر متعال و عادلی بی‌همتا است.	۰/۸۱
ب) **طرحوارهٔ مقابله موقعیتی**	
۱. کاری می‌کنم تا موقعیت و شرایط عوض شود.	۰/۵۹
۲. کاری را که برای غلبه بر یک موقعیت لازم است، انجام می‌دهم.	۰/۵۱
۳. مشکل را به بخش‌های کوچک‌تر خرد می‌کنم و هربار روی یک بخش کار می‌کنم.	۰/۵۹
۴. به شکل فعالانه برای حل مشکل خودم دنبال اطلاعات می‌روم.	۰/۴۴
۵. سعی می‌کنم با سرخم نکردن در برابر مشکل، اوضاع را در کنترل خودم نگهدارم.	۰/۵۸
۶. برای حل مشکل یک نقشهٔ عملی تهیه می‌کنم و از آن پیروی می‌کنم.	۰/۷۱
۷. در غلبه بر مشکلات مصمم و ثابت قدم هستم.	۰/۵۷
۸. برای تغییر دادن موقعیت تلاشم را بیشتر می‌کنم.	۰/۶۴
پ) **طرحوارهٔ مقابله انفعال هیجانی**	
۱. آرزو می‌کنم ای کاش اثر کارهای گذشته‌ام از بین می‌رفت.	۰/۵۶
۲. از مشکل یا موقعیت دوری می‌گزینم.	۰/۴۲
۳. هیجان‌هایم را سرکوب می‌کنم یا از آنها اجتناب می‌کنم.	۰/۳۸
۴. از آنچه رخ داده است احساس گناهکاری می‌کنم.	۰/۶۹

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

۵. آرزویم این بود ای کاش آدم دیگری بودم.	۰/۵۹
۶. به خاطر بی‌عرضگی‌هایم، احساس شرم می‌کنم.	۰/۶۹
۷. در برابر مشکل تسلیم می‌شوم.	۰/۴۱
۸. آرزو می‌کنم ای کاش برای مشکلم چیزی شبیه معجزه یا برآورده شدن حاجت رخ می‌داد.	۰/۵۲
۹. *مشکل را نادیده می گیریم و وانمود می کنم اتفاقی رخ نداده است.*	۰/۲۱
۱۰. آرزو می‌کنم ای کاش موقعیت جوردیگری بود.	۰/۶۶
۱۱. به خاطر کاری که انجام داده‌ام احساس ندامت می‌کنم.	۰/۷۵
۱۲. به خاطر آنچه به وقوع پیوسته خودم را متهم می‌کنم.	۰/۷۱
ت) طرحوارهٔ مقابله حمایت اجتماعی	
۱.در انجام کاری که توانایی اش را ندارم به دیگران تکیه می کنم	۰/۵۲
۲.*برای حل مشکلم از افرادیکه که قبلاً این مشکل را با موفقیت پشت سرگذاشته اند، کمک می‌گیرم*	۰/۰۷۲
۳.احساساتم را با فردی که به او اطمینان دارم در میان می گذارم	۰/۴۰
۴.برای حل مشکلم به نزدیکانم تکیه می‌کنم	۰/۵۸
۵.از حمایت هیجانی دیگران استفاده می‌کنم	۰/۴۱
۶.از کمک های عملی دوستانم استفاده می‌کنم	۰/۶۰
۷.*پیش اهل فن می روم و از خدمات تخصصی برای حل مشکلم استفاده می کنم*	۰/۱۶
۸.*از نظرات افرادی که تجاربی این چنینی داشته اند، استفاده می کنم*	۰/۲۰
ث) طرحواره مقابله پذیرش	
۱. اتفاقاتی را که برایم پیش می‌آیند می‌پذیریم، زیرا می‌دانم دست آخر امور آن‌طور که انتظار دارم خواهند شد.	۰/۷۲
۲. یاد می‌گیریم با مشکلم بسازم زیرا تا جایی که می‌توانستم تلاش کردم.	۰/۵۳
۳. زندگی را همان‌طور که هست می‌پذیرم یا تحمل می‌کنم و با آن سازگار می‌شوم.	۰/۱۴
۴. یاد می‌گیرم واقعیت های منفی زندگی را بپذیرم.	۰/۵۴
۵. تعبیرم از رویدادهای اجتناب‌ناپذیر زندگی‌ام این است که آنها بخشی از قسمت من در زندگی است.	۰/۵۲
۶. وضعیت کنونی‌ام را می پذیرم. چون هر چه قدر هم این رویدادها ناخوشایند باشند، امکان داشت از این بدتر هم باشند.	۰/۶۴
۷. *از فکر کردن دربارهٔ مشکلات یا چیزهایی که آشفته‌ام می‌کنند، اجتناب می‌کنم.*	۰/۰۷۹
۸. *به جنبه‌های خنده‌دار یک مشکل توجه می‌کنم.*	۰/۱۲
۹. *نگران گذشته و آینده نیستم، هر روز را همان‌طور که هست می‌پذیرم.*	۰/۲۱

ج) طرحوارهٔ مقابله ابراز هیجانی فعال	
۱. افکار و احساساتم را بیان می‌کنم.	۰/۶۹
۲. از احساساتم واهمه ندارم و معنای‌شان را می‌فهم.	۰/۳۰
۳. اگر از چیزی ناراضی باشم و یا در کاری مستاصل شده باشم، آن را ابراز می‌کنم.	۰/۶۲
۴. احساساتم را با فردی مطمئن در میان می‌گذارم.	۰/۴۱
۵. برای دریافت راهنمایی‌های اخلاقی دست به دامن دیگران می‌شوم.	۰/۱۰
۶. از حمایت هیجانی دیگران استفاده می‌کنم.	۰/۲۵
۷. هیجان‌های سرکوب شده‌ام را بیان می‌کنم.	۰/۶۱
۸. برای حمایت هیجانی و یا اخلاقی از دوستانم کمک می‌گیرم.	۰/۰۴۹
چ) طرحوارهٔ مقابله کاهش تنش	
۱. تمرین‌های کنترل تنفس را انجام می‌دهم.	۰/۱۱
۲. برای کاهش تنش از تمرین‌های ذهنی مانند تصویرسازی ذهنی استفاده می‌کنم.	۰/۲۱
۳. تلاش می‌کنم از میزان افکار اضطرابی‌ام کم کنم.	۰/۰۲۷
۴. در ذهن "موقعیت یا مسأله "را به چیز کم خطرتری تبدیل می‌کنم.	۰/۳۱
۵. تلاش می کنم روی پیامدهای منفی امور زیاد فکر نکنم.	۰/۴۱
۶. تمرین‌های آرمیدگی عضلانی را انجام می‌دهم.	۰/۷۱
۷. به خودم گوشزد می‌کنم که با نگرانی کردن درباره امور چیزی حل نخواهد شد.	۰/۱۶
۸. برای کاهش تنش تمرین‌های مراقبه را انجام می‌دهم.	۰/۶۰
ح) طرحواره مقابله اصلاح خود	
۱. کارهایی را که برای تغییر موقعیت لازم است انجام می‌دهم.	۰/۰۲۴
۲. نگرش منفی‌ام را نسبت به موقعیت به نگرش مثبت تغییر می‌دهم.	۰/۱۲
۳. برای انطباق با موقعیت در برنامه روزانه ام تغییراتی ایجاد می‌کنم.	-۰/۰۸۴
۴. نگرشم را نسبت به این مشکل تغییر می‌دهم.	-۰/۰۰۶
۵. با توجه به مشکل، اعمالم را تغییر می‌دهم.	۰/۱۳
۶. تلاش می‌کنم به مشکل از زاویه جدیدی بنگرم.	۰/۱۰
۷. برای منطبق شدن با موقعیت، برنامه‌هایم را تغییر می‌دهم.	-۰/۰۰۴
۸. برای اینکه در آینده عملکرد بهتری داشته باشم، مهارت‌های مدیریت زمان بهتری را توسعه می‌دهم.	-۰/۰۱

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

خ) طرحواره مقابله معنایابی	
۱. بر این باورم که در هر رنجی معنایی نهفته است.	۰/۱۰
۲. بر این باورم که در چیزهایی که برایم رخ می‌دهد معنا و هدفی وجود دارد.	۰/۱۴
۳. معتقدم از تجارب ناخوشایند درس‌های ارزشمندی می‌توان گرفت.	-۰/۰۳۱
۴. برای اتفاقات گذشته زندگی‌ام معنایی پیدا می‌کنم.	۰/۰۰۷

با روش معادلات ساختاری و با نرم‌افزار لیزرل بر روی داده‌ها تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. برای برآورد مدل از بیشینه احتمال[1] استفاده شد. با توجه به الگوی ۹ عاملی پیشنهادی، مدل در لیزرل اجرا شد. بررسی شاخص‌های برازش نشان می‌دهد مدل برآورد شده نیاز به تعدیل دارد. میزان X^2/df برابر ۱۶۱/۶۴ است که مقدار بزرگ و نامناسبی است. همچنین وضعیت سایر شاخص‌های برازش (RMSEA =۰/۰۷۶ ، PNFI =۰/۸۲ ، GFI= ۰/۶۹، AGFI =۰/۶۶ ، NFI = ۰/۸۵، NNFI = ۰/۸۷، CFI =۰/۸۷، RFI = ۰/۸۵، IFI = ۰/۸۷) نیز در حد بهینه نیست. شاخص‌های X^2/df ، RMSEA و PNFI شاخص‌های اقتصادی نامیده می‌شوند و هر سه شرط باید برقرار باشد که برای این داده‌ها RMSEA برقرار نیست و مدل باید اصلاح شود. شاخص‌های نیکویی برازش GFI وAGFI هستند و هردو شاخص شروط مورد نظر را ندارند. شاخص‌های مقایسه‌ای شامل NFI، NNFI، CFI، RFI و IFI است و باید حداقل ۳ شاخص بالاتر از حدود تعیین شده باشند. برای داده‌های جمع‌آوری شده، همه ۵ شرط برقرار نیست و مدل برای داشتن برازش باید اصلاح شود. برای اصلاح مدل سؤالاتی که بار عاملی آنها پایینتر از ۰/۳۵ بود از مدل حذف شدند. بر این اساس سؤالات ۱، ۴، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۳۴، ۴۰، ۴۵، ۷۱ و ۷۲ از مدل حذف شدند و مدل مجدداً تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. نتایج شاخص‌های نیکویی برازش نشان می‌دهد مدل به دست آمده از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است (X^2/df =۸۲۶/۵۱، RMSEA =۰/۰۷۱ ، PNFI =۰/۸۳ ، GFI= ۰/۷۶، AGFI =۰/۷۴ ، NFI = ۰/۸۵، NNFI = ۰/۸۹، CFI =۰/۹۰، RFI = ۰/۹۰، IFI = ۰/۹۰). علاوه بر این برای سنجش معنی‌داری مدلی که از طریق تحلیل عاملی اکتشافی به دست آمده بود یک بار دیگر با راه حل شش‌عاملی تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. مدل برازش شده مدل شش‌عاملی در شکل۱ نمایش داده شده است.

[1] Maximum likehood

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]

[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

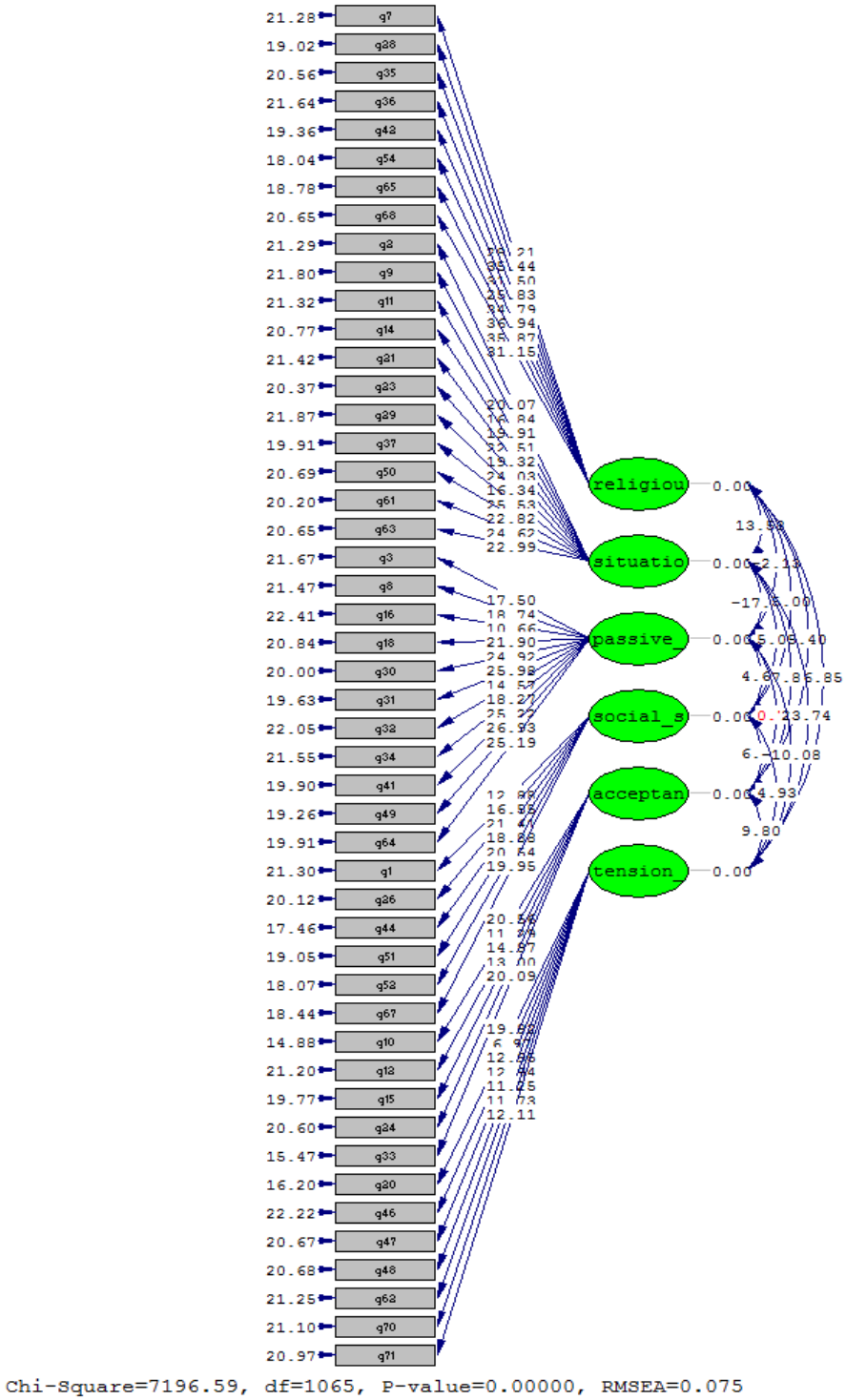

شکل ۱. مدل اندازه گیری اصلاح شده در حالت معناداری ضرایب

شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی برای راه حل شش‌عاملی این نتایج به دست آمد: (۱۱/ ۷۱۹=X^2/df ، ۰/۰۷۵= RMSEA ، PNFI =۰/۸۴ ، GFI= ۰/۷۸، ۰/۷۵= AGFI ، NFI = ۰/۸۹، NNFI = ۰/۹۰، CFI =۰/۹۰، RFI = ۰/۸۸، IFI= ۰/۸۷). مقایسه شاخص‌های برازش به ویژه شاخص GFI و تغییرات نسبت X^2/df در مدل ۹عاملی اصلی، مدل ۹عاملی تعدیل شده و مدل شش‌عاملی نشان می‌دهد که مدل شش‌عاملی بهترین میزان برازش را با داده‌ها دارد. در یافته‌های تحلیل عامل اکتشافی نیز مشخص شد از عامل هفتم به بعد هیچ یک از عامل ها بیش از ۳٪ از واریانس کل را تبیین نمی‌کنند.

برای بررسی اعتبار خرده مقیاس‌های پرسش‌نامه طرحواره‌های مقابله با استرس از روش همسانی درونی استفاده شد. بر این اساس برای خرده مقیاس‌های طرحواره‌های مقابلهٔ مذهبی، موقعیتی، انفعال هیجانی، حمایت هیجانی، مبتنی بر پذیرش و هیجانی فعال، مقدار آلفا به ترتیب برابر ۰/۸۴، ۰/۸۰، ۰/۸۳، ۰/۷۲، ۰/۶۵ و ۰/۶۸ محاسبه شد و همچنین آلفای کرونباخ کل سؤالات برابر ۰/۸۷ به دست آمد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه طرحواره‌های مقابله با استرس بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل شش‌عاملی بهترین برازش را در نمونهٔ ایرانی دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که طرحواره‌های مقابله مذهبی، موقعیتی، انفعال هیجانی، پذیرش، حمایت اجتماعی و ابراز هیجانی فعال جزو منابع اصلی در دسترس برای مقابله با استرس در نمونهٔ ایرانی هستند. برخی از طرحواره‌های مقابله‌ای مانند طرحواره-های کاهش‌تنش، اصلاح خود و معنایابی در نمونهٔ ایرانی به حدی نبودند که بتوان آنها را جزو منابع مقابله با استرس به حساب آورد. در کل یافته‌های روایی سازه و اعتبار همسانی درونی، که در این پژوهش برای این ابزار به دست آمد، حمایت خوبی از دقت و صحت این ابزار به دست داد. این‌که برخی از طرحواره‌ها به عنوان منابع مقابله، در نمونهٔ ایرانی، برازش نداشتند؛ ممکن است این معنا را برساند که تمایز و تفکیک کاملِ معمول بین طرحواره‌های مقابله، در نمونهٔ ایرانی در حد انتظار نیست. یا اینکه خرده مقیاس‌هایی که براساس نظریه، برای این ابزار در نظر گرفته شده است، در عمل و به صورت تجربی از روایی مستحکمی برخوردار نیست. اما این احتمال قوی‌تر هم وجود دارد که طرحواره‌هایی که در مدل نهایی، برازش داشته‌اند، بازنماییِ طرحواره‌های مقابله‌ای در بافت فرهنگی ایرانیان باشد. براساس چهارچوب نظریهٔ مقابله همخوان با منبع، سبک مقابله‌ای افراد متأثر از فرهنگ است و احتمالاً با ویژگی‌های هر فرهنگ متناسب است. در نتیجه می‌توان بیان کرد، طرحواره‌های مقابله با استرسِ شناسایی شده در این نمونه ایرانی، بازتابی از منابع سازندهٔ شیوه‌های مقابله با استرس است.

طرحوارهٔ مقابلهٔ مذهبی بیشترین سهم را در تبیین واریانس طرحواره‌های مقابله‌ای داشت. این یافته نشان می‌دهد که مذهب یکی از منابع اصلی به وجود آورندهٔ سبک‌های مقابله‌ای ایرانیان است. در مراوادات روزمره به وفور استفاده از این نوع سبک مقابله قابل شناسایی است؛ وقتی قرار است اتفاقی در آینده بیافتد که از نتیجه‌اش بی‌اطلاع هستیم و یا پس از بروز سوانح یا رویدادهای ناخوشایند، افراد با گفتن انشاالله و صبر پیشه‌کردن، یکدیگر را به استفاده از سبک‌های مقابله مذهبی دعوت می‌کنند. این سبک‌های مقابله‌ای تقریباً در همه طبقات اجتماعی وجود دارد. یافته‌های پژوهشی درباره رابطهٔ استفاده از منابع مقابله مذهبی و سلامت قائل به متمایزسازی سبک‌های مقابله مذهبی مثبت و منفی هستند(پارگامنت، اسمیت، کوئینگ، پرز[1]، ۱۹۹۸). ۱۹۹۸). بسیاری از افرادی که مقابله‌های مذهبی‌شان مبتنی بر ارزشیابی غلط از مسائل دینی است و یا رابطهٔ معنوی مخدوشی با خدا دارند، بیشتر دچار نشانه‌های جسمانی و روانی مرتبط با استرس می‌شوند(پارگامنت، اسمیت، کوئینگ، پرز، ۱۹۹۸). بر این اساس به طور قطع و یقین نمی‌توان ادعا کرد که چون

[1]. Pargament, Smith, Koenig, & Perez

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

ایرانیان از منابع مذهبی برای مقابله با استرس‌ها استفاده می‌کنند، بهداشت روانی و جسمانی‌شان مختل نیست. در باورها و اعتقادات زمینه خطا بسیار زیاد است و اگرچه در دین خطایی نیست؛ اما برداشت‌های افراد از دین می‌تواند دچار خطا شود. بنابراین با یک اصلاحیه می‌توان گفت درک درست از دین و باورهای دینی همچنان منبع بسیار ارزشمندی برای مقابله با استرس در جامعهٔ ایران است. در مدل مقابله همخوان با منبع، یکی از معیارهای راهبردهای مقابله‌ای مؤثر، همخوان بودن سبک‌های مقابله‌ای با بافت و زمینه فرهنگی است. با توجه به همخوان بودن مقابله مذهبی با مختصات فرهنگی جامعه ایرانی، این طرحواره مقابله‌ای، یک طرحواره مقابله‌ای مؤثر در نمونه ایرانی است. در اغلب مطالعاتی که پژوهشگران ایرانی بر روی افراد با بیماری‌های مزمن در نمونه‌های ایرانی انجام داده‌اند نیز همواره باورهای دینی به عنوان یکی از عوامل اصلیِ مقاومت در برابر هیجان‌های منفی و غلبه بر موانع ناشی از بیماری برشمرده شده است (بریانت دیویس، ونگ[1]، ۲۰۱۳ ؛ روحانی و همکاران، ۲۰۱۵).

طرحواره مقابله موقعیتی با سبک مقابله‌ای مسأله محور در مقابله با استرس قرابت زیادی دارد. یکی از دلایلی که ممکن است این نوع طرحواره‌های مقابله‌ای در نمونه ایرانی زیاد باشد، محیط زندگی ایرانیان است که شکل‌های مختلف استرس محیطی در آن به وفور وجود دارد: از بدقوارگی ساختمان‌ها، زشتی محیط‌های زندگی و استرس‌های متداول شهرهای بزرگ مانند آلودگی هوا، آلودگی صوتی و ازدحام. بر این اساس شناسایی «استفاده از منابع طرحواره‌ای موقعیتی»، به عنوان یکی از طرحواره‌های اصلی سازنده منابع مقابله با استرس، مورد انتظار بود. علاوه بر این تحقیقات بین‌فرهنگی نشان داده‌اند افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا دربارهٔ سناریوهای مربوط به استدلال‌های اجتماعی[2]، اسنادهای موقعیتی بیشتری می‌کنند؛ در حالی‌که رفتار افراد در فرهنگ‌های فردگرا برعکس است و اسنادها بیشتر از جنس خصیصه‌ای[3] و درون فردی است (موریس، پنگ[4]، ۱۹۹۴). همین‌طور مقایسه دانشجویان در فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا نشان داده است که منبع کنترل افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا بیشتر از جنس بیرونی است و این بیرونی بودن منبع کنترل در این فرهنگ‌ها با سازگاری بیشتر هم رابطه دارد(وارد و کندی[5]، ۱۹۹۲). به عبارت دیگر علت این که منابع طرحواره مقابله‌ای موقعیتی، در نمونه ایرانی سهم زیادی دارد به خاطر فرایندهای روان‌شناختی مانند غالب بودن اسنادهای بیرونی و همین‌طور اولویت منبع کنترل بیرونی است.

طرحوارهٔ مقابله‌ای از نوع انفعال هیجانی بیشترین همخوانی را با منابع سازنده سبک‌های مقابله‌ای در نمونه ایرانی داشت. تقریباً همه سؤالاتی که در پرسش‌نامه اصلی برای این مؤلفه مشخص شده بود، هم در تحلیل عاملی اکتشافی و هم تأییدی دارای برازش بود. طرحواره انفعال هیجانی شامل فرایندهایی است که هدف‌شان این است که از طریق گریز هیجانی، سرکوب هیجانها، خودسرزنشگری، آرزواندیشی، القای احساس شرم و گناه به خود با فشار روانی ناشی از استرس مقابله شود. این منبع برای مقابله با هیجان‌ها با پیامدهای منفی برای سلامتی و بهبودی در بیماری‌های مزمنی مانند روماتیسم مفصلی و اختلال درد، رابطه دارد (کویک، آدامسون و هوف[6]، ۲۰۰۰؛ مرکادو، کارول،کاسیدی و کوته[7]، ۲۰۰۵). در افراد بهنجار نیز این یافته از مدت‌ها به دست آمده است که سبک‌های مقابله انفعال هیجانی با نشانه‌های رنج جسمی و روانی رابطه دارند. مگر این که نوع عامل استرس‌زا قابل کنترل نباشد؛ مانند وضعیت فقدان (فولکمن و لازاروس و همکاران،۱۹۸۶). در توجیه این که چرا استفاده از این نوع منبعِ مقابله‌ای در نمونه ایرانی بالا است، می‌توان گفت که شدت برخی از استرس‌ها در این جامعه به قدری شدید است که افراد را به انفعال هیجانی و تجربه هیجان های منفی می‌کشاند و یا اینکه

[1] Bryant-Davis & Wong
[2].social reasoning
[3] dispositional
[4]. Morris & Peng
[5]. Ward & Kennedy
[6]. Covic, Adamson, & Hough
[7]. Mercado, Carroll, Cassidy & Côté

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

افراد حس عاملیت کمتری بر سرنوشت خود می‌کنند و در نتیجه به صورت فعالانه برای مقابله با هیجان‌ها آموزش ندیده‌اند و یا اینکه اساساً این نوع طرحواره‌های فرهنگی برای مقابله با استرس، در نمونه ایرانی کارگشاتر است. در این راستا نتایج مطالعه‌های بین فرهنگی نیز این فرضیه را که میزان هیجان‌های منفی در دانشجویان ایرانی بیشتر از دانشجویان سوئدی است، حمایت کرده است (کرمی نوری، فراهانی و تروست[۱]،۲۰۱۳). مضامین مرتبط با مقابله هیجان انفعالی ارتباط و مطابقت زیادی با مکانیسم‌های دفاعی روان‌رنجور و رشد نیافته دارد (ویلانت[۲]، ۱۹۹۴). ادبیات پژوهشی نظریه‌های روان‌پویشی حکایت از آن دارد که افرادی که از مکانیسم‌های دفاعی روان‌رنجور و رشد نیافته بیشتر استفاده می‌کنند، مستعد اختلال‌های هیجانی و اختلالات شخصیت هستند(ویلانت، ۱۹۹۴). از طرف دیگر به زعم رویکردهای روانکاوی، ویژگی‌های شخصیتی افراد بیش از همه بستگی به شیوه‌هایی دارد که برای اداره هیجان‌های مختلف استفاده می‌کنند(ویلانت، ۱۹۹۴). از این روی می‌توان این گونه بیان کرد که مقابله هیجانی انفعالی دربردارنده ویژگی‌های شخصیتی افراد است و در این سبک مقابله بیش از سایر سبک-های مقابله‌ای، ویژگی‌های شخصیتی افراد نقش دارند. اما پرسش درباره سازگارانه یا ناسازگارانه و یا مؤثر بودن یا مؤثر نبودن این راهبردهای مقابلهٔ مبتنی بر انفعال هیجانی، همان‌گونه که در مدل مقابله همخوان با منبع بیان شده است، بستگی به نوع عامل استرس زا، میزان کنترل فرد و بافت فرهنگی دارد. یافته‌های بین فرهنگی نشان داده است، وجود قدری عاطفه منفی در دانشجویان ایرانی در شکفتگی نقش دارد؛ ولی در دانشجویان سوئدی چنین ارتباطی مشاهده نشده است (فراهانی، کرمی نوری،۱۳۹۴). به غیر از این یافته‌های قبلی مرتبط با مقایسه سبک‌های مقابله فعال و منفعل نشان داده است، که دانشجویان ایرانی به اندازه دانشجویان نمونه آمریکایی از سبک‌های مقابله‌ای فعالانه استفاده می‌کنند، اما تفاوت‌شان در میزان افسردگی است که افسردگی در دانشجویان ایرانی بیشتر است (حقیقت‌خو و پترسون[۳]، ۱۹۹۵). از این جهت ممکن است به دلیل افسردگی و یا بیشتر بودن هیجان‌های منفی در نمونه ایرانی، میزان استفاده از سبک‌های مقابله‌ای منفعلانه نیز بیشتر نشان داده شود. درباره صحت و سقم دقیق‌تر این گمانه‌زنی‌ها انجام پژوهش‌های آینده با بررسی رابطه هیجان های منفی با سبک‌های مقابله می‌تواند بینش‌های جدیدی به دست دهد.

یکی از سؤالاتی که در پرسش‌نامه اصلی، در زیر مجموعه طرحواره مقابله انفعال هیجانی مطرح شده بود، در نمونه ایرانی بارعاملی کافی نداشت. مضمون این سؤال این است که برای مقابله با استرس باید طوری وانمود کرد که انگار مسأله مهمی نیست. به نظر نمی‌رسد این نوع طرز فکر روش انفعالی در ذهن ایرانیان باشد و برعکس نوعی روش فعال است که انسان سازگار جامعه ایرانی خود را به خاطر داشتن این ویژگی تحسین هم می‌کند. در گفت‌وگوهای روزمره، افراد برای مقابله با استرس‌ها از این نوع توصیه‌های نادرست فرهنگی زیاد می‌کنند. در وانمود کردن به این‌که عامل استرس‌زا عامل مهمی نیست، فرد نوعی حس عاملیت خیالی را برای مقابله با استرس برای خود قائل می‌شود که هر چند ممکن است در زندگی اجتماعی برای دیگران آسیب زننده باشد؛ اما خود فرد از بار هیجان‌های منفی خلاص می شود.

یکی دیگر از طرحواره‌های سازنده منابع مقابله‌ای، حمایت اجتماعی تشخیص داده شد. چهار سؤال از هفت سؤالی که در پرسش‌نامه اصلی برای این خرده مقیاس در نظر گرفته شد، دارای بارعاملی کافی بودند. انتظار بر این بود که در نمونه ایرانی سهم استفاده از منبع حمایت اجتماعی بیشتر از این مقدار باشد. در سایر پرسش‌نامه‌های مرتبط با مقابله با استرس نیز بخش-هایی مرتبط با حمایت اجتماعی در نظر گرفته شده است، برای مثال می‌توان به تمایز حمایت اجتماعی هیجانی و ابزاری در مقیاس فهرست مقابله (کارور،شیرر، وینتراب، ۱۹۸۹) اشاره کرد.

۱. Trost
۲. Vaillant
۳.Peterson

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

توانایی استفاده از حمایت اجتماعی در ادبیات پژوهشی مرتبط با تاب‌آوری نیز به عنوان یک عامل محافظت کننده در برابر آسیب‌پذیری‌های فردی و محیطیِ مختل‌کننده رشد هیجانیِ سالم، در نظر گرفته شده است و یافته‌های جدید هم از نقش پیش بینی‌کننده حمایت اجتماعی در کاهش استرس، بهبود کیفیت زندگی و افزایش قدرت تاب‌آوری در افراد با بیماری های مزمن حمایت می‌کند (کاستا و همکاران، ۲۰۱۶). به نظر می‌رسد برخی از مؤلفه‌های مرتبط با حمایت اجتماعی در پرسش‌نامه طرحواره‌های مقابله با استرس چندان در بین مردم ایران جاافتاده نیست. برای مثال سه سؤال که مرتبط با استفاده از کمک افراد صاحب فن و با تجربه بود در نمونه ایرانی دارای بارعاملی نبودند. این مسأله را در ایران به وضوح می‌توان در پدیده‌هایی مانند اکراه در مراجعه به متخصصان سلامت روان مشاهده کرد. غیر از دلایل روش‌شناختی که درباره این یافته می‌توان آورد (برای مثال همپوشی سؤالات این عامل با خرده مقیاس مرتبط با انفعال هیجانی) باید به این مسأله هم توجه کرد که در کل ادارک حمایت اجتماعی درکشورهای در حال توسعه هیچ‌گاه به اندازه کشورهای توسعه یافته نبوده است. برای مثال نتایج تحقیقی در گروه دانشجویان نشان داده است که ۹۰٪ دانشجویان اظهار کرده بودند که بعضی از مردم آن‌طور که به نظر می‌رسند، نیستند (شریفی، سجادی‌فر و امینی، ۲۰۰۸) و در مطالعه‌ای دیگر در منطقه‌ای از تهران ۳۰٪ پاسخ دهندگان بیان کرده بودند که عموم مردم قابل اعتماد نیستند(شریفی و همکاران، ۲۰۱۳). این بی‌اعتمادی زمینه‌ساز کاهش تکیه به منبع حمایت اجتماعی می‌شود و این می‌تواند دلیل دیگری باشد بر این‌که چرا در نمونه ایرانی، حمایت اجتماعی سهم زیادی در تعیین و تبیین طرحواره‌های مقابله با استرس نداشت.

طرحواره‌های مقابله‌ای مبتنی بر پذیرش نیز یکی دیگر از عواملی بود که در نمونه ایرانی برازش داشت. یکی از منابع درونی که موجب شدیدتر شدن استرس می‌شود، نپذیرفتن رویدادهای استرس‌زا است. به عبارت دیگر اگر افراد در ارزیابی که از عامل تنش‌زا می‌کنند پذیرش بیشتر از خود نشان دهند، به شیوه بهتری می‌توانند هیجان‌های‌شان را تنظیم کنند و مقابله مؤثرتری با استرس داشته باشند (مارتین و دالان[1]، ۲۰۰۵). اگر چه در گذشته تصور می‌شد کنترل کردن استرس بهترین شیوه مقابله با استرس است؛ اما نظریه‌های متأخر حوزه‌های مرتبط با استرس و اضطراب ریشه اغلب مشکلات هیجانی را در تلاش‌هایی می‌دانند که افراد برای کنترل رویدادهای تنش‌برانگیز به کار می‌گیرند. یافته‌ها درباره نقش پذیرش در سلامت روانی، نشان می‌دهد این عامل به اندازه کنترل شغل روی سلامت روانی اثرگذار است (باند و بانس[2]، ۲۰۰۳)؛ کنترل نداشتن بر روی شغل خود مهمترین عامل ایجاد استرس در همه کشورهاست(-کوچاکی و همکاران، ۲۰۱۱). راضی‌بودن به تقدیر الهی[3] یکی از باورهای ریشه‌دار در ایرانیان است و احتمال دارد تجلی مثبت آن پذیرش رویدادها و استفاده بیشتر از طرحواره‌های مقابله مبتنی بر پذیرش، در نمونه ایرانی باشد و احتمالاً وجه منفی این باور خود را به صورت فراوانیِ بالای استفاده از منابع طرحواره‌های انفعال هیجانی، نشان داده است.

آخرین عاملی که در مدل شش‌عاملی طرحواره‌های مقابله با استرس در تحلیل عاملی شناسایی شد، مربوط به طرحواره ابراز هیجانی فعالانه بود. البته همه سؤالات مرتبط با این عامل در نمونه ایرانی برازش نداشتند و از میان هشت سؤال اصلی تنها چهار سؤال در تشکیل این عامل دارای بار عاملی بودند. این مسأله می‌تواند به این علت باشد که مضمون چهار سؤال دیگر بیشتر به دریافت حمایت هیجانی و راهنمایی اخلاقی از دیگران مرتبط است و از این حیث به نظر می‌رسد زمینه نظری گنجاندن این سؤال‌ها در یک عامل مرتبط با ابراز فعالانه هیجان‌ها چندان منطقی نیست. استفاده از طرحواره‌های مقابله هیجانی فعال در مدل وونگ به معنای توانایی درک و فهم هیجان‌ها، توانایی ابراز هیجان‌ها در مواقع ناکامی و شکست، و توانایی استفاده از حمایت هیجانی دیگران است. مواجه با هر استرسی به صورت

[1]. Martin & Dahlen
[2]. Bond & Bunce
[3]. fatalism

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

خودکار باعث ایجاد حالت برانگیختگی می‌شود و به دنبال ایجاد برانگیختگی، سیستم لمبیک در سیستم عصبی مرکزی و سیستم عصبی خودمختار فعال می‌شوند که برونداد آن افزایش شدت تجربه هیجان‌های مثبت و منفی است. اگر چه به باور عامه نباید با مسائل هیجانی برخورد کرد! اما پایه و اساس مقابله با استرس آگاه بودن و درک همین هیجان‌ها است و توانایی ابراز هیجان در موارد برخورد با موقعیت‌های ناخوشایند و آزاردهنده یک راهبرد فعالانهٔ مؤثر در مدیریت استرس به حساب می‌آید(ریچاردسون و روتستاین[۱]،۲۰۰۸) یافته‌های تحلیل عاملی نشان می‌دهند که انفعال هیجانی خیلی بیشتر از ابراز هیجانی در نمونه ایرانی استفاده می‌شود. شاید فرایند جامعه‌پذیری افراد ایرانی در فرهنگ جمع‌گرای ایرانی طوری است که انفعال هیجانی ارزش سازگارانه بیشتری دارد. مثلاً در ادبیات شفاهی و نوشتاری ایران بیشتر از شیخ و درویش گوشه‌نشین سخن رفته است تا پهلوانان و آنجا هم که پهلوان جوانی چون سهراب پا به عرصه وجود گذاشته است و فعالانه هیجان‌هایش را ابراز کرده است! ناچار بهای سنگینی چون مرگ عایدش شده است. البته این گونه قیاس‌ها هر چند دور است اما روایت‌های گفته‌ای هستند که مردم در این جامعه با آن طرحواره‌های فرهنگی‌شان را می‌سازند. در کل به زبان روان‌شناختی ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها در اغلب اختلالات روانی نقش دارد (آلدائو، نولن-هوکسما و شوییزر[۲]، ۲۰۱۰). همان‌قدر که انفعال هیجانی، یک عاملِ خطر در تشدید استرس و آسیب‌پذیری افراد است، ناتوانی در برقراری ارتباط فعال با هیجان‌ها نیز می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات سازشی مرتبط با استرس شود.

اگر چه وونگ اذعان دارد که هر یک از طرحواره مقابله‌ای را با دو روش قیاسی (براساس نظریه مقابله همخوان با منبع) و استقرایی شناسایی کرده است اما آنچه که از اجرای تحلیل عاملی این پرسش‌نامه در نمونه ایرانی به دست آمده است، چندان وجه قیاسی و مبتنی بر نظریه بودن این عامل‌ها را تأیید نمی‌کند.

[۱].Richardson & Rothstein

[۲]. Aldao, Nolen-Hoeksema & Schweizer,

برای مثال همپوشی بالایی بین طرحواره‌های مرتبط با مقابله هیجانی انفعالی، هیجانی فعال و حمایت اجتماعی مشاهده می‌شود. برخی از منابع طرحواره‌های مقابله‌ای در نمونه ایرانی این قدر کم‌بسامد هستند که در هیچ یک از روش‌های بررسی تحلیلی عاملی، برازش نداشتند. طرحواره‌های مقابله‌ای معنایابی برای مقابله با استرس، بازساخت‌دهی خود و کاهش تنش از جمله منابع طرحواره‌ای بودند که هیچ یک از سؤالات مربوط به آن خرده مقیاس‌ها، در نمونه نهایی برازش نداشت. این منابع طرحواره‌ای تقریباً همان روش‌هایی هستند که روان‌شناسان در فرایند درمان مشکلات هیجانی آنها را به مراجعان آموزش می‌دهند؛ مانند تغییر نگرش به خود، استفاده از فنون آرام‌سازی یا ذهن‌آگاهی و یا اصلاح شیوه تنفس برای مقابله با هیجان؛ یا یافتن معنایی غایی برای تحمل رنج‌ها و استرس‌های زندگی. در تبیین این که چرا میزان استفاده از این راهبردها در نمونه ایرانی این قدر کم است می‌توان هم بیان کرد استفاده از این روش‌ها نیاز به خودآگاهی بالایی برای شناسایی عامل استرس‌زا دارد و در نتیجه بسیاری از افراد به صورت عادی در زندگی روزمره نمی‌توانند از آنها استفاده کنند و هم این که احتمالاً میزان استفاده از منابع طرحواره‌های سازگارانه مقابله با استرس در نمونه ایرانی مطلوب نیست. از دو منظر می‌توان این یافته را تبیین کرد. اول اینکه نمونه پژوهش حاضر به ظاهر از افراد عادی بودند و طبیعتاً این افراد چون خود را سالم می‌پندارند و احتمالاً کارکردهای روانی اجتماعی بهنجاری مشابه بقیه افراد جامعه دارند، خود را کمتر نیازمند به استفاده از طرحواره‌های مقابله‌ای تغییر خود و کاهش تنش می‌دانند. از منظری دیگر می‌توان بیان کرد تقریباً این سه دسته طرحواره‌های مقابله با استرس با مختصات فرهنگ جمع‌گرای عمودی ایرانی همخوانی ندارد و بیشتر دربردارنده آرمان‌ها و الگوهای رفتاری جامعه فردگرایانه است. فرهنگ همانند یک منو[۳] یا فهرست از منابع در دسترس مختلفی است که انسان‌ها برای زندگی کردن و رفتار کردن در هر جامعه، یکی از این موارد این فهرست را بر می‌گزینند(مک

[۳].menue

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

آدامز، پالز[1]، ۲۰۰۶).درباره طرحواره‌های مقابله‌ای هم به همین صورت است. فرهنگ در نقش خزانه‌ای از منابعی است که برای مقابله با استرس مناسب است. و هر فردی براساس ویژگی‌های شخصیتی که دارد و همین طور فرهنگی که به آن تعلق دارد سبک‌های مقابله خاص خود را برای مقابله با استرس بر می-گزیند.

اگر چه وونگ با هدف توسعه ادبیات پژوهشی استرس و مقابله، مفهوم طرحواره‌های مقابله‌ای را پیشنهاد داده است؛ اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد رابطه طرحواره‌های مختلف مقابله‌ای بیشتر از نوع طیفی و پیوستاری است تا رابطه مقوله‌ای و با بسیاری از طرحواره‌های مقابله‌ای که در نسخه اصلی پرسش‌نامه طرحواره‌های مقابله با استرس مشخص شده‌اند، هم‌پوشانی دارند؛ چه اینکه در این مطالعه مشخص شد برخی از سؤالات طرحواره‌های مقابله موقعیتی با حمایت اجتماعی و همین‌طور انفعال هیجانی با موقعیتی دارای همپوشانی بودند.

به رغم بالابودن تعداد نمونه افراد شرکت کننده در این پژوهش باز هم نمی‌توان ادعا کرد سبک‌های مقابله‌ای که در این پژوهش شناسایی شده‌اند منعکس کننده تصویری جامع از سبک‌های مقابله‌ای در جامعه ایران است؛ زیرا همه شرکت‌کنندگان این پژوهش از گروه دانشجویان بودند که استرس‌های‌شان با افراد غیردانشجوی جامعه متفاوت است. یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش عدم بررسی سایر شاخص‌های روایی مانند روایی همگرا، روایی واگرا و روایی پیش‌بین است که پژوهش‌های آینده می‌توانند این جنبه را پوشش دهند. براساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود در سایر گروه‌های سنی و یا در سایر طبقات اجتماعی، طرحواره‌های مقابله با استرس هنجاریابی شود. علاوه بر این انجام پژوهش‌های کیفی می‌تواند، بینش‌های جدیدی درباره فرایندهای دخیل در مقابله با استرس و نقش عوامل فرهنگی در برگزینش منابع طرحواره‌ای برای مقابله با استرس، در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

[1]. McAdams & Pals

منابع

Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., & Schweizer, S. (۲۰۱۰). Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clinical psychology review*, ۳۰(۲), ۲۱۷-۲۳۷.

American Psychological Association.(۲۰۱۱). The Stress in America™ survey. Washington, DC: Author

Bond, F. W., & Bunce, D. (۲۰۰۳). The role of acceptance and job control in mental health, job satisfaction, and work performance. *Journal of applied psychology*, ۸۸(٦), ۱۰۵۷.

Bryant-Davis, T., & Wong, E. C. (۲۰۱۳). Faith to move mountains: religious coping, spirituality, and interpersonal trauma recovery. *American Psychologist*, ٦۸(۸), ٦۷٥-٦۸٥.

Costa, A. L., Heitkemper, M. M., Alencar, G. P., Damiani, L. P., Silva, R. M., & Jarrett, M. E. (۲۰۱٦). Social Support Is a Predictor of Lower Stress and Higher Quality of Life and Resilience in Brazilian Patients With Colorectal Cancer. *Cancer nursing*, ۳۱(۲), ۲۱-۳۳.

Covic, T., Adamson, B., & Hough, M. (۲۰۰۰). The impact of passive coping on rheumatoid arthritis pain. *Rheumatology*, ۳۹(۹), ۱۰۲۷-۱۰۳۰.

Folkman, S., Lazarus, R. S., Dunkel-Schetter, C., DeLongis, A., & Gruen, R. J. (۱۹۸٦). Dynamics of a stressful encounter: Cognitive appraisal, coping, and encounter outcomes. *Journal of personality and social psychology*, ٥۰(٥), ۹۹۲-۹۹۸.

Haghighatgou, H., & Peterson, C. (۱۹۹٥). Coping and Depressive Symptoms Among Iranian Students. *The Journal of Social Psychology*, ۱۳٥(۲), ۱۷٥-۱۸۰.

Farahani, MN., Kormi-nouri, R. (۲۰۱٥). Health and illness in individualistic and collectivistic cultures. Research in psychological health, ۹(٤),۱-۱٦.[Prsian]

Koochaki, G. M., Charkazi, A., Hasanzadeh, A., Saedani, M., Qorbani, M., & Marjani, A. (۲۰۱۱). Prevalence of stress among Iranian medical students: a questionnaire survey.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]

study with comparative design. *Health and quality of life outcomes*, ١٣(١), ٤٠-٤٨.

Schneiderman, N., Ironson, G., & Siegel, S. D. (٢٠٠٥). Stress and health: Psychological, Behavioral, and Biological Determinants. *Annual review of clinical psychology*, ١, ٦٠٧-٦٢٨.

Segerstrom, S. C., & Miller, G. E. (٢٠٠٤). Psychological Stress and the Human Immune System: A Meta-Analytic Study of ٣٠ Years of Inquiry. *Psychological bulletin*, ١٣٠(٤), ٦٠١-٦٣٠

Sharifi, V., Bakhshaie, J., Hatmi, Z., Faghih-Nasiri, L., Sadeghianmehr, Z., Mirkia, S., Mirsharifa, S. M. (٢٠١٢). Self-reported psychotic symptoms in the general population: correlates in an Iranian urban area. *Psychopathology*, ٤٥(٦), ٣٧٤-٣٨٠.

Sharifi, V., Sajjadifar, A., & Amini, H. (٢٠٠٨). Psychotic-like ideations among a group of young normal subjects in Iran. *International Journal of Social Psychiatry*, ٥٤(٥), ٣٩٠-٣٩٤.

Stone, A. A., & Neale, J. M. (١٩٨٤). New measure of daily coping: Development and preliminary results. *Journal of personality and social psychology*, ٤٦(٤), ٨٩٢.

Tabachnick, B. G., Fidell, L. S., & Osterlind, S. J. (٢٠٠١). Using multivariate statistics.

Vaillant, G. E. (١٩٩٤). Ego mechanisms of defense and personality psychopathology. *Journal of abnormal psychology*, ١٠٣(١), ٤٤-٤٩.

Ward, C., & Kennedy, A. (١٩٩٢). Locus of control, mood disturbance, and social difficulty during cross-cultural transitions. *International Journal of Intercultural Relations*, ١٦(٢), ١٧٥-١٩٤.

Wong, P. T., Reker, G. T., & Peacock, E. J. (٢٠٠٦). A resource-congruence model of coping and the development of the coping schemas inventory *Handbook of multicultural perspectives on stress and coping* (pp. ٢٢٣-٢٨٣): Springer.

East Mediterr Health Journal, ١٧(٧), ٥٩٣-٥٩٨.

Kormi-Nouri, R., Farahani, M.-N., & Trost, K. (٢٠١٣). The role of positive and negative affect on well-being amongst Swedish and Iranian university students. *The Journal of Positive Psychology*, ٨(٥), ٤٣٥-٤٤٣.

Martin, R. C., & Dahlen, E. R. (٢٠٠٥). Cognitive emotion regulation in the prediction of depression, anxiety, stress, and anger. *Personality and Individual Differences*, ٣٩(٧), ١٢٤٩-١٢٦٠.

McAdams, D. P., & Pals, J. L. (٢٠٠٦). A new Big Five: fundamental principles for an integrative science of personality. *American psychologist*, ٦١(٣), ٢٠٤-٢٢١.

Mercado, A. C., Carroll, L. J., Cassidy, J. D., & Côté, P. (٢٠٠٥). Passive coping is a risk factor for disabling neck or low back pain. *Pain*, ١١٧(١), ٥١-٥٧.

Moos, R. H., & Holahan, C. J. (٢٠٠٣). Dispositional and contextual perspectives on coping: Toward an integrative framework. *Journal of clinical psychology*, ٥٩(١٢), ١٣٨٧-١٤٠٣.

Morris, M. W., & Peng, K. (١٩٩٤). Culture and cause: American and Chinese attributions for social and physical events. *Journal of Personality and Social psychology*, ٦٧(٦), ٩٤٩.

Pargament, K. I., Smith, B. W., Koenig, H. G., & Perez, L. (١٩٩٨). Patterns of positive and negative religious coping with major life stressors. *Journal for the scientific study of religion*,١٢(٣), ٧١٠-٧٢٤.

Richardson, K. M., & Rothstein, H. R. (٢٠٠٨). Effects of occupational stress management intervention programs: a meta-analysis: Educational Publishing Foundation.

Rohani, C., Abedi, H.-A., Omranipour, R., & Langius-Eklöf, A. (٢٠١٥). Health-related quality of life and the predictive role of sense of coherence, spirituality and religious coping in a sample of Iranian women with breast cancer: a prospective

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.20080166.1395.10.4.7.8]
[DOI: 10.18869/acadpub.rph.10.4.76]